

# ایتالیا و رؤیای پیوستن به پول واحد اروپا

رومانو پرودی نخست وزیر ایتالیا با شجاعت از حکومت خود و از آینده ایتالیا که آنرا درخشان توصیف می‌کند به دفاع برخاسته است؛ شاید هم حق داشته باشد. پس از گذشت یازده ماه از نخست‌وزیری او، کابینه ائتلافی که پنجاه و چهارمین دولت پس از جنگ جهانی دوم است نسبت به دولتهای گذشته عمری نسبتاً خوب داشته است. از این گذشته پردوی در حال گذراندن کشورش از میان یک انقلاب معنوی است که اساس آن بر محور آثار فساد ریشه‌دار مالی، و ایجاد تغییرات زیربنایی به منظور بخشیدن حیاتی تازه به قانون اساسی که در پنج دهه گذشته همواره زیر پا گذاشته شده قرار داده شده است. چنانچه پردوی از هر دو این جبهه‌ها موفق بیرون بیاید می‌تواند به‌عنوان یکی از بنیانگذاران جامعه اقتصادی اروپا نقش اساسی خود را در اتحاد پولی این قاره که قرار است در سپال ۱۹۹۹ عملی شود به عهده گیرد و بر حضورش به عنوان یک دموکراسی اصلی غرب در صحنه سیاسی و اقتصادی اروپا مهر تأیید گذارد.

اما چنانچه شکست بخورد امواج پیش رونده اتحادیه اروپا او را به کناری خواهد زد که در آن صورت باز دیگر ایتالیا به اعماق فساد گذشته که از مشخصات بارز آن حزب بازی و تعویض‌های پی در پی کابینه است فرو خواهد رفت.

از سال ۱۹۹۲ که ایتالیا معاهده ماستریخت را امضاء کرد، حکومت‌های متعدد تلاش‌های عظیمی را برای کنترل هزینه‌های عمومی، برقراری مجدد طرح‌های مناسب تأمین اجتماعی و رفاه عمومی و مهار تورم انجام دادند ولی شدیدترین تهدیدات که براساس آن به ملت توصیه می‌شد هر چه بیشتر کمربندها را سفت کنند بوسیله پردوی به موقع اجرا گذاشته شده است. او در پایان ماه مارس طی ارائه یک مینی بودجه درخواست کاهش نه میلیارد دلار از هزینه‌های عمومی و تعدیل مالیاتها به منظور رساندن کسری موازنه پرداختها به ۳ درصد در سال ۱۹۹۷ کرده است. رقم ۳ درصد کسری موازنه پرداختها حداکثر کسری برای کسب شرایط پیوستن به پول واحد اروپایی در سال ۱۹۹۹ است، این رقم در سال گذشته ۶/۸ درصد بود که از شرایط پیمان ماستریخت بسیار فاصله داشت.

از سوی دیگر یک کمیسیون پارلمانی مأمور شد اصلاحاتی در قانون اساسی ایتالیا که از سال ۱۹۴۸ دست نخورده باقی مانده است به عمل آورد. گرچه جزئیات این اصلاحات فاش نشده است ولی گفته می‌شود تغییرات در قانون اساسی در جهت قدرت بخشیدن بیشتر به سیستم انتخاباتی و آراء مردم که بتواند ایتالیا را تبدیل به یک کشور باثبات دو قطبی شامل گروه‌های چپ میانه و راست میانه کند، خواهد بود.

## سردرگمی آلمانی‌ها...

پرودی زمانی به نیاز به ایجاد ثبات سیاسی بیشتر پی برد که هفته گذشته حزب کمونیست تجدید سازمان یافته ایتالیا، بازمانده حزب کمونیست مارکسیست دهه‌های قبل که اسماً متحد حزب پرودی است به پیشنهاد پردوی برای اعزام نیروی نظامی به آلبانی رأی منفی داد و برای نخستین بار ائتلاف دو حزب به مخاطره افتاد.

زمانی که پیشنهاد اعزام نیرو سرانجام با کمک آراء احزاب مخالف به تصویب رسید برای پردوی مسلم شد که مانعی به نام حزب کمونیست همواره بر سر راه برنامه‌های او، و به ویژه در مورد طرح‌های رفاه اجتماعی قرار خواهد داشت که می‌تواند پایه‌های حکومت او را متزلزل، و ثبات سیاسی کشور را مختل کند.

علیرغم این مشکلات، ایتالیا در میان اعضای کلوب مدیترانه (ایتالیا، اسپانیا، یونان و پرتغال) در چشم متحدان اروپایی شانس بسیار بالاتری برای کسب شرایط پیوستن به پول متحد اروپایی و تطبیق خود با مفاد معاهده ماستریخت دارد. یک دیپلمات اروپایی در بروکسل می‌گوید: «از زمانی که پردوی بر سر کار آمده است ایتالیایی‌ها نشان داده‌اند که به طور جدی به تعهدات خود در قبال اروپا عمل می‌کنند و خود را به خوبی با شرایط اروپای متحد منطبق کرده‌اند. آنها نه تنها توانایی‌های تکنوکراتیک و تخصصی خود را نشان داده‌اند بلکه در زور آزمای‌های سیاسی موفق بوده‌اند.»

اما ژم یک مشکل اساسی برای آلمان است. مارک قدرتمند آلمان در حیرت است چگونه در چارچوب

پول متحد اروپا خود را با واحد پول نسبتاً ضعیف ایتالیا و تورم غیرقابل مهار این کشور تطبیق دهد؟ اروپائیان و به ویژه آلمانیها سالها است شاهد تورم بالا، کسری موازنه پرداختها و ارزش اندک پول ایتالیا که تقریباً پدیده‌هایی سنتی شده‌اند، بوده‌اند. آلمان، به عنوان پیشاهنگ پیمان ماستریخت و بدعت‌گذار شرایط سخت عضویت در اروپای متحد با پول واحد که خود به علت روبرو بودن با مشکل بزرگ بیکاری مواجه می‌باشد در تنظیم روابط اقتصادی خود یا ایتالیا در ارتباط با اروپای متحد دچار نوعی سردرگمی است. یکی از راه‌های رهائی از این مخمصه به تعویق انداختن اجرای پول واحد اروپایی به مدت یکسال است تا ایتالیا فرصت بیشتری برای رساندن خود به شرایط پیمان ماستریخت پیدا کند و یکی در سفر ماه فوریه پردوی به بن، او به کوهل قول داد که به موقع شرایط لازم را کسب خواهد کرد.

پرودی اخیراً در یک مصاحبه مطبوعاتی درباره نخستین مراحل بسیار مشکل پیوستن به پول واحد اروپایی تأکید کرده است که: «از نخستین روز شرکت در انتخابات می‌دانستم که مشکل‌ترین وظایفم در مقام نخست‌وزیر ایتالیا پیوستن به پول واحد اروپا است، همه نیازها، استراتژیها و برنامه‌هایی را که برای رسیدن به این هدف لازم است پیش خود تجزیه و تحلیل می‌کردم.»

در حقیقت عکس قضیه این است که چنانچه در این راه موفق نشود و در نخستین مرحله به اجرا درآمدن پول واحد اروپایی ایتالیا موفق به پیوستن به آن نشود پردوی راهی جز استعفا از مقام خود نخواهد داشت. پردوی اعتراف می‌کند عواقب دور ماندن ایتالیا از اروپای متحد با پول واحد، لطمه دیدن شدید لیر ایتالیا تا حد کاستن رسمی از ارزش آن، قبول تورم بیشتر و هرج و مرج سیاسی بیشتر که هر برنامه اصلاحاتی را ناممکن می‌سازد، خواهد بود.

پرودی در دفاع از موضع کشورش می‌گوید: «سایر کشورهای اروپایی باید توجه داشته باشند که ایتالیا از کجا آغاز کرده است، از نقطه‌ای کاملاً متفاوت با آن کشورها. پس از جنگ جهانی دوم ایتالیا کشوری کشاورزی و کاملاً فقیر بود و رسیدن به استانداردهای اروپایی برای ایتالیاییها رویایی بیش نبود ولی امروز

خود را به جایی رسانده‌ایم که رسیدن به هدف پیوستن به اروپای متحد و کسب شرایط معاهده ماستریخت چندان از دسترس دور نیست.»

مطمناً رویای ماستریخت و مسئله اعزام نیرو به آلبانی تنها مشکلات نگران کننده پرودی نیستند. شکاف تکنولوژیک میان ایتالیا و کشورهای شمال و اختلافات عمیق این کشور با کشورهای اصطلاحاً جنوب، جنگ علیه مافیا، مبارزه علیه فساد مزمنی که دامنگیر کشور است، مسئله جدائی طلبی یک ایالت شمالی، حرکت‌های مخالف با افزایش مالیاتها و نرخ نگران کننده بیکاری به میزان ۱۲/۴ درصد و... و... نیز در مقابل پرودی قرار دارند.

با اینحال همه سیاستمداران اروپائی متحدالقولند که اندیشیدن به اروپای متحد در رأس همه گرفتاریهای ایتالیا قرار گرفته است. لونیجی اسپاونتا یک اقتصاددان دانشگاه ژنوا می‌گوید: «توجه دولت به تهداتی که در قبال پیمان ماستریخت دارد او را از سایر مسائل دامنگیر کشور دور نگاهداشته است و این پیمان ماستریخت است که بر همه تصمیم‌های سیاسی سایه افکنده است.»

ایتالیا همواره از بی‌هویتی ملی و فقدان اتحاد رنج برده است، کمی بیش از یک قرن، یعنی در سال ۱۸۷۰ یکپارچگی خود را به دست آورد و تنها تجربه او در مسئله ناسیونالیسم بیست و یکسالگی بود که موسولینی بر این کشور حکم راند. فرانکو پاونسلو استاد علوم سیاسی در دانشگاه جان کابوت ژنوا می‌گوید: «آزادی، دمکراسی و حقوق بشر، فورمولهای جدیدی بودند که ایتالیا را متحد کردند، حالا ما به رهبرانی نیاز داریم که فارغ از ناسیونالیسم تحت همین فورمولها کشور را به جایی ببرند. همه شواهد در همه اقصای جامعه هم صدا می‌گویند که این جا، جایی جز اروپای متحد نیست.» بعضی‌ها می‌گویند راندن ایتالیا از سوی جامعه اروپا به سوی اروپای متحد به آن دلیل است که دولتهای متعددی که بر سر کار آمده‌اند نشان داده‌اند که توانائی اداره کشور را ندارند و بنابراین ایتالیا باید در یک مجموعه اروپائی اداره شود.

جولیانو فرارا سردبیر هفته‌نامه پانوراما چاپ ژنوا از این هم فراتر می‌رود و می‌گوید راندن ایتالیا به سوی جامعه اروپا از ترکیب کابینه پرودی که چهره‌های آن بیشتر اروپائی هستند تا ایتالیائی نشان می‌دهد که اروپا ناسیونالیسم گذشته را به کلی کنار گذاشته است، فرارا اشاره می‌کند پست‌های اصلی در کابینه پرودی در دست اقتصاددانان و تکنوکرات‌هایی است که قبلاً در بانکها و شرکت‌های بزرگ اروپائی کار می‌کرده‌اند که امروز نیز مهره‌های اصلی در ارتباط دادن ایتالیا به اروپا بشمار می‌روند. آنها تکنیسین‌هایی هستند که نه با احزاب سیاسی در ارتباطند و نه در زد و بندهای

انتخاباتی نقشی دارند و چنانچه ایتالیا موفق به کسب شرایط پیوستن به پول واحد اروپائی شود این توفیق را باید مرهون همین چهره‌ها دانست. این افراد از همه سوءظن‌ها و مشارکت در عملیات مالی غیرقانونی بری بوده‌اند.

از سال ۱۹۹۲ که مبارزه با فساد در ایتالیا آغاز شد بیش از سه هزار تن به دادگاهها احضار، و نهصد تن نیز بازداشت شدند که در میان آنها بسیاری از نخست وزیران، وزیران و مقامات عالی‌رتبه دولتی دیده می‌شدند. بیتیوکراسی نخست‌وزیر اسبق در مقابل اتهامات گوناگون مجبور به فرار از کشور شد و بسیاری از سیاستمداران همراه با حزبشان از رده خارج شدند و یا تضعیف گردیدند. همین سیاستمداران و احزاب گوناگونشان بودند که ظرف ۵ دهه ایتالیا را به اعماق فساد مالی و سایر مفاسد سرنگون کردند. پاونسلو می‌گوید: دادگاههای ایتالیا می‌توانستند پس از جنگ سرد انقلابی عظیم علیه سیاستمداران فاسد ایتالیائی به راه بیندازند زیرا رهبران فاسد دمکرات مسیحی پس از فرو ریختن دیوار برلین دیگر دلیلی برای حکومت کردن و ترساندن مردم از روی کار آمدن حزب نیرومند کمونیست در ایتالیا نداشتند.

گرچه پرودی در کابینه دمکرات مسیحی‌ها برای مدتی کوتاه پست وزارت داشت ولی سیاستمداری حرفه‌ای نبود، استاد اقتصاد در دانشگاه بولونی بود و سالها نیز در رأس شرکت‌های بزرگ قرار داشت، در هیچ یک از پرونده‌ها و محاکمات که به جرم سیاستمداران رسیدگی می‌کرد نامی از او به میان نیامد، او خود را یک اقتصاددان خالص و طرفدار انگلوساکونیسم می‌داند و بسا خنده‌منی گوید انگلو ساکسونی که در رأس یک ائتلاف کاملاً چاپ قرار گرفته است. در حال حاضر بزرگترین مانع بر سر راه اجرای طرح‌های پرودی رهبر حزب کمونیست ایتالیا فائوستوبرتی نوتی است که در عین حال متحد او در کابینه ائتلافی وی نیز هست. نیاز پرودی به ۳۵ رأی

کمونیستها در مجلس عوام برخورد جدی با برتی نوتی را برای پرودی مشکل می‌سازد. کمونیستها به شدت مخالف محدود کردن هزینه‌های رفاه اجتماعی و دستمزدها هستند که پرودی برای کسب شرایط مفاد معاهده ماستریخت به آن نیاز دارد. ارتباط مستحکم حزب کمونیست با اتحادیه‌های کارگری باز هم بر مشکلات پرودی افزوده است.

ماه گذشته به دعوت این حزب بیش از دویست هزار نفر در اعتراض به بیکاری در خیابانهای ژنوا رفتند، در مقابل مقاومت کمونیستها در برابر کاستن از هزینه‌های رفاهی، پرودی مجبور شده است ضمن چشم‌پوشی از این کاهش با افزودن بر مالیات شرکتها جای این هزینه‌ها را پر کند و به این ترتیب پرودی از انجام اصلاحات بزرگ بازمانده است. فرارا سردبیر پانوراما می‌گوید ما هرگز در ایتالیا اصلاحات عمده و بزرگ نداشته‌ایم و همواره به اصلاحات جزئی با اثرات بزرگ بسنده کرده‌ایم.

مأخذ: مجله تایم؛ ۲۱ آوریل ۱۹۹۷  
بزرگان از سرویس ترجمه گزارش

## شرکت کتاب و نوار زبان سرا

نماینده رسمی و انحصاری دانشگاه آکسفورد در سراسر ایران



مرکز فروش کتاب، نوار و فیلم‌های آموزشی زبان فر  
تهران و شهرستانها

مرکز توزیع عمده محصولات فرهنگی به فروشگاههای  
عرضه محصولات فرهنگی با مجوز وزارت فرهنگ و  
ارشاد اسلامی سازنده لایه‌های زبان برای مراکز  
دانشگاهی و آموزشی با تجربه چند ساله

نشانی: تهران، خیابان انقلاب، اول خیابان وصال  
شماره ۲۷، طبقه سوم  
تلفن: ۶۴۶۲۱۵۲ - ۶۴۶۲۶۱۲ - فاکس: ۶۴۶۲۱۵۲